

۲۲.۹۹۷۵
به نام ایزد منان

بعداً

Later

www.ketab.ir

استیون کینگ

Stephen King

ترجمه‌ی

امیرحسین قاضی

سرشناسه: استیون کینگ

King, Stephen

عنوان و نام پدیدآور: بعداً / استیون کینگ؛

ترجمه امیرحسین قاضی.

مشخصات نشر: تهران: آذرباد، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۲۷۹ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۱۴-۲۷-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Later

مندرجات: بعداً

موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

موضوع American fiction -- 20st century

شناسه افزوده: قاضی، امیرحسین، ۱۳۷۳. مترجم.

شناسه افزوده: صباغی، مهسا، ۱۳۷۳ ویراستار

رده‌بندی کنگره: PS۳۶۵۵

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۴۲۹۰۲



بعداً

نویسنده: استیون کینگ

مترجم: امیرحسین قاضی

ویراستار: مهسا صباغی

نمونه‌خوان: محسن میرمطهری - علی محبیان‌فر

نشر: آذرباد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کارا - صالحانی

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱۴-۲۷-۴

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به ناشر

است و هر نوع استفاده بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و

قابل پیگرد قانونی خواهد بود.

تهران، میدان انقلاب، روبه‌روی

دبیرخانه دانشگاه تهران، مابین

خیابان دوازده فروردین و منیری

جاوید، ساختمان ۱۳۲۰، طبقه سوم

تلفن: ۶۶۴۹۵۰۴۸

دورنما: ۶۶۴۹۶۱۲۳

AZARBADBOOK.IR

@AZARBADPUB.IR

پیشگفتار مترجم

این یک داستان ترسناک است.

در همان ابتدای کتاب بود که این جمله بیش از هر چیز دیگری اشتیاقم را برای فهمیدن دلیل این جمله در ادامه‌ی داستان بیشتر کرد. آیا بازهم مثل دیگر آثار کینگ باید منتظر نیروی فراطبیعی می‌ماندم تا شخصیت داستان را به چالش بکشد؟ یا باید صبر می‌کردم تا یک قاتل، موجودی اهریمنی و فراتر از درک انسان را در میان صفحات ملاقات کنم؟ ولی در ادامه متوجه شدم که این بار نویسنده ترس‌هایی کاملاً روزمره و معمولی در زندگی ما به تصویر می‌کشد. ترس‌هایی که همه‌مان در طول زندگی به چشم دیده و تجربه کرده‌ایم. ترس از دست دادن عزیزان و بیماری، وحشت از اوضاع نابسامان اقتصادی و آینده‌ای که در مه غلیظی گم شده است و نمی‌توان آن را پیش‌بینی کرد. ترس از تنها شدن و محروم شدن از مهر و محبت و البته ترس از دیدن مردگانی که یک‌زمانی برخی از آنان را می‌شناختیم.

کینگ یک بار دیگر ذکاوت و قدرت داستان‌سرایی خود را در این کتاب کم حجم به رخ مخاطب و منتقدان کشیده است. بی‌راه نیست که او یکی از بهترین نویسندگانی به شمار می‌آید که می‌تواند زندگی، اندیشه‌ها، رفتار و احساسات و حتی لحن کودکان و نوجوانان را به بهترین شکل به رشته‌ی تحریر در بیاورد. داستان کتاب از پنج سالگی شخصیت اصلی آغاز می‌شود و تا سن بیست و دو سالگی راوی که همان قهرمان اصلی داستان است ادامه پیدا می‌کند؛ ولی این روایت همیشه به صورت خطی نیست. راوی در طول داستان گریزهایی به آینده، گذشته و زمان حال می‌زند و خاطره‌هایش را بازگو می‌کند. از نکته‌های جالبی که در رابطه با این کتاب وجود دارد این است که لحن روایی و نثر با پیش رفتن داستان، به مرور تا حدی بهتر و پخته‌تر می‌شود که نشان از افزایش سن و درک راوی دارد. یکی از ویژگی‌هایی که این کتاب را خوش‌خوان‌تر کرده فصل‌های نسبتاً کوتاه است که با پایان‌بندی‌های جذاب و کنج‌کاوکننده این اجازه را به مخاطب نمی‌دهد که ادامه دادن آن را به زمان دیگری موکول کند. در این

میان چیزی که نظرم را به خود جلب کرد این بود که نویسندگان بارها اتفاق‌های مهم داستان را به وضوح لوم می‌دهد یا پیش چشمان مخاطب می‌آورد؛ ولی به سرعت با فضا سازی و آوردن موضوع هیجان‌انگیز دیگری فرصت فهم و تجزیه و تحلیل این حقایق را از مخاطب می‌گیرد و بدون اینکه داستان از تب و تاب بیفتد، شما را تا پایان کتاب تشنه‌ی فهمیدن رموز و حقایق نگه می‌دارد و یک بار دیگر به منتقدان سرسخت خود نشان می‌دهد که او فقط پادشاه ژانر وحشت نیست و در ژانر جنایی، کارآگاهی و تعلیق نیز به همان میزان مهارت دارد.

شاید پس از مطالعه‌ی این کتاب، ذهنیت جدیدی نسبت به مردگان در ذهن شما شکل بگیرد؛ زیرا ممکن است مرز تشخیص مردگان و زنده‌ها برای شما در زندگی و محیط اطراف، از تار مونی‌باریک تر شود.

و همان‌طور که در ابتدای سخنم گفتم، این یک داستان ترسناک است.

امیرحسین قاضی

بهار ۱۴۰۰

www.ketab.ir

فهرست

۳.....	پیشگفتار مترجم
۵.....	فهرست
۹.....	فصل اول
۱۷.....	فصل دوم
۲۱.....	فصل سوم
۲۳.....	فصل چهارم
۲۹.....	فصل پنجم
۳۵.....	فصل ششم
۴۳.....	فصل هفتم
۴۵.....	فصل هشتم
۴۹.....	فصل نهم
۵۵.....	فصل دهم
۵۷.....	فصل یازدهم
۶۵.....	فصل دوازدهم
۷۱.....	فصل سیزدهم
۷۷.....	فصل چهاردهم
۸۵.....	فصل پانزدهم
۸۹.....	فصل شانزدهم
۹۱.....	فصل هفدهم
۹۵.....	فصل هجدهم
۹۷.....	فصل نوزدهم
۱۰۱.....	فصل بیستم
۱۰۵.....	فصل بیست و یکم
۱۱۱.....	فصل بیست و دوم
۱۱۵.....	فصل بیست و سوم
۱۱۷.....	فصل بیست و چهارم
۱۲۳.....	فصل بیست و پنجم
۱۲۷.....	فصل بیست و ششم
۱۲۹.....	فصل بیست و هفتم
۱۳۱.....	فصل بیست و هشتم
۱۳۵.....	فصل بیست و نهم
۱۳۷.....	فصل سی ام
۱۳۹.....	فصل سی و یکم
۱۴۳.....	فصل سی و دوم
۱۴۵.....	فصل سی و سوم

دوست ندارم با یه عذرخواهی شروع کنم (احتمالاً حتی قانونی هم وجود داره که اینو منع می‌کنه، درست مثل اینکه هیچ وقت نباید جمله رو با حرف اضافه تموم کرد) ولی بعد خوندن بیشتر از سی صفحه‌ای که تابه حال نوشتم حس می‌کنم باید این کار رو بکنم. عذرخواهی برای کلمه‌ی خاصی که مدام دارم ازش استفاده می‌کنم. کلمه‌های سه حرفی زیادی رو از مامانم یاد گرفتم و (همون طور که جلوتر خواهید فهمید) توی همون بچگی ازشون استفاده کردم؛ ولی این یکی چهارتا حرف داره. این کلمه بعداً هست، مثل "تا بعد" و "بعداً فهمیدم" و "بعداً بود که متوجه شدم". می‌دونم زیاد تکرار می‌شه؛ ولی گزینه‌ی دیگه‌ای ندارم چون داستانم از زمانی آغاز می‌شه که هنوز بابانوئل و افسانه‌ی پری دندون رو باور می‌کردم (گرچه، حتی در شش سالگی هم به وجودشون شک داشتم). حالا بیست و دو ساله که یعنی می‌شه بعداً، درسته؟ به گمونم وقتی چهل و خرده‌ای سالم بشه (همیشه حدس می‌زنم عمرم تا اون موقع قد می‌ده) به زمانی که فکر می‌کردم توی بیست و دو سالگی مسائل رو درک می‌کردم، نگاه می‌کنم و می‌فهمم چیزای زیادی بود که اصلاً متوجهشون نبودم. همیشه یه بعداً هست، حالا اینو می‌دونم. دست کم تا وقتی که می‌میریم. بعدش حدس می‌زنم همه‌اش می‌شه قبل از اون.

اسم من جیمی کانکلین^۱ و روزی روزگاری نقاشی یه بوقلمون جشن شکرگزاری رو کشیدم که فکر می‌کردم خیلی خفن شده. بعداً (ونه خیلی بعد) فهمیدم که خیلی هم خفن از آب درنیومده بود. بعضی وقتا حقیقت واقعاً چیز مزخرفیه. فکر می‌کنم این یه داستان وحشتناکه. خودتون ببینین.